

فلسفه استهلال و چرایی انجام آن

عبدالجلیل فرهمند

امام جماعت و مدرس حوزه از اهل سنت

چکیده

استهلال در لغت به معنی دیدن یا آشکار شدن ماه نو (هلال) و فریاد نوزاد پس از ولادت است. اما استهلال به معنای نخست دارای ارزش نجومی است؛ زیرا ماه قمری ممکن است ۲۹ یا ۳۰ روز باشد و مشاهده ماه نو در برخی اوقات، اقدامی دشوار و نیازمند محاسبات نجومی است. از نظر شریعت مقدس اسلام، این عمل مهم محسوب می‌شود، زیرا بسیاری از وظایف و عبادات فردی و اجتماعی مسلمانان بر مبنای ماه‌های قمری و آغاز آن معنی می‌یابد و شروع ماه‌های قمری هم مبتنی بر رویت هلال است. با وجود نقش اساسی و تأثیر گسترده‌ی موضوع رویت هلال، این مسأله در پاره‌ای از اوقات وسیله‌ای برای ایجاد شکاف بین مسلمانان شده و اختلاف در ثبوت هلال ماه در کشورهای اسلامی تاکنون پیامدهای بسیار ناگواری داشته است. به همین دلیل، پژوهش درباره‌ی این موضوع از جهت فقهی و نجومی اهمیتی دوچندان یافته است.

کلیدواژگان: استهلال، شریعت اسلامی، روایات، آیات و احادیث.

در اهمیت و نقش بسیار حساس دانش فقه از جهات گوناگون جای هیچ‌گونه شک و تردیدی نیست. هر مسلمانی موظف است که در تمامی اوقات زندگی، بایدها و نبایدهای معنوی و مادی خود را در مسائل فردی، اجتماعی، عبادی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از فقه اخذ کند و نجات و سعادت و خوشبختی ابدی خود را در پرتو آن تأمین نماید. نتیجه‌ی بخش عمده‌ای از زحمات و تلاش‌های پیامبر(ص) و ائمه و اصحاب آن حضرت و نیز زحمات هزار ساله فقیهان و محدثان، امروز در قالب دانش فقه در اختیار ما قرار دارد. بنابراین فقه، علمی نوپیدا و نوپدید نیست و بدون تسلط، اشراف و احاطه نمی‌توان از موضع فقه اظهارنظر نمود. در نتیجه، حفظ و حراست از این گنجینه‌ی پربها و ترمیم و باروری و توانا کردن آن برای پاسخ‌گویی به معضلات امروز اهمیت زیادی دارد. یکی از وظایف این علم در روزگار کنونی، مسأله رؤیت هلال ماه است؛ به ویژه آن‌که مسأله رؤیت هلال و مباحث پیرامونی آن یکی از مسائل مهم و جنجالی در طول تاریخ فقهت و محدثین تاکنون بوده است.

پیامدهای ناگوار اختلاف در رؤیت هلال

اختلاف در ثبوت هلال ماه‌های مبارک رمضان، شوال و ذی‌الحجه در کشورهای اسلامی تاکنون پیامدهای بسیار ناگوار داشته است. به عنوان مثال، این اختلاف اسفناک بارها در طی سال‌های اخیر در امر رؤیت هلال، شهد شیرین عید را در کام همه تلخ کرد. گروهی امروز نماز عید می‌خواندند و می‌گفتند: «أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً...» و فردا گروه دیگری در همان کشور و گاه در همان شهر، همین عبارت را می‌گفتند و معلوم نبود، منظور از «المسلمین» در این عبارات کیست؟ عده‌ای به هم تبریک می‌گفتند و جماعتی در همان زمان، روزه بودند. مردم نیز همواره از این بیم دارند که در سال‌های بعد هم این امر تکرار شود. این موضوع همچنین گاهی به دست افراد مغرض یا ناآگاه، بهانه‌ای برای تحلیل‌های تفرقه‌انگیز داده است. این امر هنگامی نگران‌کننده‌تر می‌شود که می‌بینیم در اغلب کشورهای اسلامی، مسأله رؤیت هلال حل شده و حداقل، اهل یک کشور با یکدیگر هماهنگ هستند. ولی در کشور ما این‌گونه نیست و همچنان

این مشکل تداوم دارد. به نظر می‌رسد که ما تنها کشوری هستیم که با وجود حضور فقهای قوی و آگاه، نتوانسته‌ایم این مسأله را حل نماییم.

ضرورت پژوهش در رؤیت هلال

در نخستین گردهمایی تخصصی رؤیت هلال در این زمینه آمده است: «یکی از اشکالات بسیار جدی به حوزه‌های علمیه و دانشمندان حوزه‌های نجوم و هیأت همین جا وارد است، که چرا به طور جدی به این مسأله پراهمیت نمی‌پردازند... متأسفانه درباره تقویم هجری قمری، یعنی گاه‌شماری که زندگی دینی، فکری، اجتماعی، سنن و آداب ما بسیار بدان وابسته است، هنوز کارهای اساسی نشده است. از پژوهش‌های بسیار بسیار مهم که همگان باید روی آن کار کنیم، این است که درباره تقویم قمری، عمیقاً تحقیق کنیم و جمعاً یک تصمیم درست بگیریم... در دنیای اسلام، بحث تقویم قمری یک بحث بین‌المللی است. پنجاه و شش کشور مسلمان به اضافه مسلمانان همه کشورهای دیگر و در مجموع، صدها میلیون مسلمان اکنون در غرب و شرق عالم زندگی می‌کنند و آنها نیز مسائل، تکالیف، سنن، آداب و فرهنگ‌شان را وابسته به این مسأله می‌بینند. وقتی که یک مسلمان دلسوز، با تفرقه و ناهماهنگی مواجه می‌شود، رنج می‌برد. اختلاف در رؤیت هلال می‌تواند در عقاید ما شبهه‌انگیز باشد. یعنی وجود و بروز همین مسأله، کافی است تا عده‌ای بگویند این چه دین جامعی است که نتوانسته این مسأله را حل کند؟... این وظیفه بسیار مهم شرعی، در درجه‌ی اول وظیفه حوزه‌هاست و اگر حوزه‌ها تصمیم درستی نگیرند، دانشگاه هم نمی‌تواند به تنهایی این مشکل را حل کند و به خصوص عالمان دین باید تدبیری بیندیشند. چه ضرری از این بزرگتر که این تفرقه‌ها مثل خوره به جان جامعه بیفتند و تردیدهایی را در دل انسان‌ها به وجود بیاورد. این مسائل عادی و معمولی نیستند و حتی از لحاظ شخصی هم انسان را با تکالیفی که بین او و خدای خود دارد، دچار مشکلات روحی می‌سازند. ما می‌توانیم این مسائل را حل کنیم و اکنون ضروری است آن را در مقیاس بین‌المللی مرتفع نماییم، نه در مقیاس فرد یا یک جامعه محدود یا یک شهر.» (رؤیت هلال؛ مشکلات و راه حل‌ها: ۲۴-۲۸)

رؤیت هلال در گذر تاریخ

رویدادهای مربوط به رؤیت هلال در طول تاریخ، هم آموزنده و مایه عبرت و اندرز و هم گاهی تلخ است و هم تسکین‌دهنده و آرامش‌بخش است. از این رو، می‌بینیم مشابه آن‌چه در روزگار ما اتفاق می‌افتد، در عهد پیشینیان نیز رخ داده است.

در حدیث مشهور کرب که وی را ام فضل به شام، جهت ملاقات با معاویه می‌فرستد؛ وی نقل می‌کند: «به شام وارد شدم و کارهای خود را انجام دادم، ثبوت ماه مبارک رمضان ثابت شد و من هم در شام، هلال ماه را شب جمعه رؤیت کردم و سپس در آخر ماه به شهر مدینه برگشتم. آن موقع عبدالله بن عباس از من در مورد هلال ماه سؤال کرد: گفت چه موقعی هلال را رؤیت کردید من هم فرمودم: شب جمعه. آیا خود شما دیدی؟ فرمودم بله، من دیدم و همه مردم دیدند و روزه گرفتند، معاویه هم نیز روزه گرفت. سپس عبدالله بن عباس فرمود: ما روز شنبه هلال رمضان را رؤیت کردیم و تا تکمیل ۳۰ روز، روزه می‌گیریم تا هلال شوال را رؤیت کنیم. من گفتم: آیا به قول و روزه معاویه اکتفا نمی‌کنید؟ عبدالله بن عباس فرمود: نه، چون پیامبر(ص) دستور داده است» (البخاری و ابن ماجه).

شیخ طوسی در تهذیب نقل کرده است که در دوران حکومتی امیرالمؤمنین حضرت علی(ع)، مردم پس از ۲۸ روز روزه، هلال ماه شوال را مشاهده کردند؛ امیرالمؤمنین به منادی دستور داد که به مردم اعلام کند که ماه رمضان، ۲۹ روزه است و یک روز را روزه قضا بگیرند (شیخ طوسی، بی تا، ج ۴: ۱۵۸). ظاهراً در آن سال، اول ماه رمضان هوا ابری بوده و ماه دیده نشده است؛ از این رو، مردم ماه شعبان را کامل و ۳۰ روزه حساب کرده و در پایان ماه رمضان، با رؤیت هلال در شب ۲۹ معلوم شد که ماه شعبان، ۲۹ روزه بوده و مردم یک روز از آغاز آن را روزه نگرفته‌اند؛ از این رو، امیرالمؤمنین دستور دادند یک روزه قضا شود. این ماجرا را ابوریحان بیرونی نیز از کتاب‌های زیدیه نقل کرده است (الآثار الباقیه، ص ۷۵).

مباحث رؤیت هلال

رؤیت هلال، یکی از مسائل بحث انگیز، پر سر و صدا و پر فروع است و در طول تاریخ، همواره یک یا دو فرع آن، مورد نزاع و اختلاف بوده است. به عنوان مثال، در سده‌های چهارم و پنجم موضوع عدد و رؤیت و در اواخر دوران صفویه و پس از آن، مسأله رؤیت هلال پیش از زوال، بیش از همه مورد بحث بوده است و

نیز در زمان ما، اشتراط یا عدم اشتراط اتحاد آفاق و اعتبار قولِ هیوی و محاسبات فلکی و سرانجام رؤیت هلال با چشم مسلح از بحث‌انگیزترین فروع این موضوع است. البته در رؤیت هلال، مباحث بسیاری مطرح بوده است. از این رو، در اینجا به توضیح کوتاهی راجع به اهم فروع رؤیت هلال می‌پردازیم.

الف) عدد و رؤیت

یکی از مسائل بحث‌انگیز در سده‌های چهارم و پنجم هجری این بوده است که آیا ماه مبارک رمضان، همیشه کامل و ۳۰ روز است و یا این‌که برخی سال‌ها ۲۹ روز است و با دیدن هلال شوال، هر چند از آغاز ماه مبارک رمضان ۲۹ روز گذشته باشد، عید فطر ثابت می‌شود و در نتیجه ماه مبارک ۲۹ روز خواهد بود. هر دو نظریه طرفدارانی داشته است؛ به قائلان قول اول (اصحاب العدد) و به قائلان قول دوم (اصحاب الرؤیه) می‌گویند.

ب) حکم حاکم

یکی از مسائل مورد بحث این است که همان‌طور که رؤیت و بینه، حجت و اماره معتبر برای اثبات اول ماه است، آیا با حکم حاکم نیز آغاز ماه ثابت می‌شود یا خیر؟ بر اساس برخی دیدگاه‌ها، در رؤیت هلال و ثبوت آن و وجوب روزه، حکم حاکم شرط نمی‌باشد. ولی اگر حاکم اسلامی به هر طریقی حکم به ثبوت هلال نماید، بر مسلمین واجب است تا روزه را اداء و از حاکم پیروی کنند. چون حکم حاکم اسلامی بر طرف‌کننده اختلافات می‌باشد و این نزد فقهای اسلامی مورد اتفاق می‌باشد مگر نزد امام شافعی. (کتاب مذاهب الاربعه، ج ۱: ۵۰۱؛ الزحیلی، بی‌تا، ج ۳: ۱۶۵۸).

اشترط یا عدم اشتراط اتحاد آفاق

بحث انگیزترین موضوع در زمان ما این است که اگر رؤیت هلال در افقی ثابت شد، آیا فقط برای دیگر آفاقی که با افق مزبور متحدند، ثابت است و برای آفاق غیرمتحد، ثابت نمی‌شود یا این‌که اتحاد آفاق، شرط نیست و برای سایر نقاط، اعم از متحدالافق و مختلف‌الافق، ثابت می‌شود **مسئله در مورد مطالع خیلی**

زیاده اما ظاهر مذهب (حنفی مذهب امام محمد حسن شیبانی از استاد خود امام ابوحنیفه اجتهاد می‌کند و مذهب خود را طبق اقوال امام ابوحنیفه پایه گذاری می‌کند. ۱- کتاب جمع الصغیر ۲- جامع الکبیر ۳- سیر کبیر ۴- سیر صغیر ۵- مبسود ۶-

زیادات)

به طور کلی، جمهور علماء اختلاف مطالع را معتبر نمی‌دانند و می‌گویند با رؤیت هلال در یکی از بلاد اسلامی، روزه یا افطار بر همه واجب می‌شود. اما بعضی می‌گویند که مطالع در بلاد قریبه معتبر دانسته می‌شود که مسافت یک ماه را احتساب کردند، اما در بلاد بعید، اختلاف مطالع معتبر نیست و می‌گویند که باید در آن بلاد دیده شود و به حدیث مشهور کریب (رض) که پیشتر به آن اشاره شد ارجاع می‌دهند.

قلمرو حجیت بینه در رؤیت هلال

در سال‌های اخیر بر اثر اعتماد به ادعای شهود در رؤیت هلال و حجت دانستن، به طور مطلق و بدون عنایت به انظار بسیاری از فقیهان بزرگ در گذشته و حال مشکلاتی روی داده است. در حالی که حجیت بینه به طور مطلق یا در رؤیت هلال مشروط به شرایطی است. رؤیت هلال رمضان با خبر دادن یک مرد یا یک زن به اثبات می‌رسد. اما رؤیت هلال عید با شهادت دو مرد یا یک مرد و دو زن ثابت می‌شود؛ اگر چنانچه در آسمان علتی از ابر، یا غبار، یا دود موجود بود. اما اگر علتی از ابر و غیر آن در آسمان موجود نبود، پس رؤیت هلال رمضان و رؤیت هلال عید ثابت نمی‌شود مگر با دیدن جمع بزرگی که به دیدن آنان گمان غالب حاصل شود. رؤیت هلال بقیه ماه‌ها با شهادت دو مرد عاقل، یک مرد و دو زن که حد قذف بر آنها جاری نگردیده باشد، به اثبات می‌رسد (ندوی، ۱۳۸۴ ش، ج ۱: ۲۰۷).

در سنن چهارگانه (سنن چهارگانه بیهقی، ابن ماجه، ترمذی و ابوداود) از ابن عباس روایت شده که فرمود: یک مرد اعرابی نزد پیامبر خدا (ص) تشریف آورد و فرمود من هلال ماه را رویت کردم. (حسن در حدیث‌اش می‌آورد یعنی هلال رمضان) سپس فرمود به یگانگی خداوند شهادت می‌دهی؟ گفت: بله. سپس فرمود: به پیامبر حضرت محمد (ص) شهادت می‌دهی؟ مرد اعرابی گفت: بله. سپس رسول‌الله (ص) فرمود: ای بلال، برای مردم اذان بگو (اعلام کن) تا روزه بگیرند.

چشم مسلح و رؤیت هلال

(رؤیت) در روایات رؤیت هلال

اکنون به رؤیت هلال می‌پردازیم و آن را از این جهت بررسی می‌کنیم:

۱. هر چند موضوع احکام شرعی مانند روزه ماه مبارک رمضان است، ولی شارع معیار شروع و پایان ماه را **اهله** و رؤیت آنها دانسته است. بنابراین به طور مسلم، شروع و آغاز ماه قمری با صرف خروج ماه از تحت الشعاع و مُحاق، محقق نمی‌شود؛ بلکه باید قدری از خروج ماه از محاق بگذرد که قابل رؤیت باشد. از این رو، ملاک آغاز ماه‌های قمری «رؤیت هلال» است (رؤیت هلال، ج ۲: ۱۱۵۹، ۱۱۸۵، ۱۲۷۱، ۱۲۷۴).

۲. چنان‌که بسیاری از فقیهان نیز بر این باورند حق آن است که رؤیت هلال طریقت دارد نه موضوعیت؛ یعنی از آن‌جا که نشانه‌ها و علائم دیگر در شرع مقدس، جایگزین رؤیت می‌شوند هر چند بالفعل، رؤیت محقق نشده باشد، می‌فهمیم که رؤیت، موضوعیت ندارد. به عنوان نمونه، با گذشت سی روز از ماه قبل، حکم حلول ماه جدید می‌کنیم، ولو بالفعل رؤیت نشود؛ یا کسی استهلال نکند یا بر اثر وجود مانعی، هلال رؤیت نشود؛ نیز اگر هلال در شرق، رؤیت شود، اول ماه برای نقطه غربی هم عرض آن نیز ثابت می‌شود، هر چند که هلال در نقطه غربی، رؤیت نشود (همان: ۱۱۸۸، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴).

۳. در بسیاری از ماه‌های قمری، وضع ماه بدین منوال است که هلال، شب سی‌ام با چشم غیر مسلح قابل رؤیت نیست، ولی با ابزار دیده می‌شود؛ یعنی ماه، پس از خروج از محاق، هنوز به درجه‌ای نرسیده و آن اندازه نور کسب نکرده که بتوان آن را بدون ابزار دید، ولی با چشم مسلح ممکن است دیده شود. لازمه این امر آن است که اگر رؤیت هلال با چشم مسلح معتبر باشد، حلول ماه، یک روز زودتر ثابت می‌شود و اگر رؤیت بدون ابزار ملاک باشد، آغاز ماه یک روز دیرتر ثابت خواهد شد.

۴. با این مقدمات روشن شد که روایات رؤیت هلال، از روایات دسته دوم آغاز این مقاله محسوب می‌شوند و همان‌طور که در آن موارد، از جمله تشخیص حد ترخص، استفاده از ابزاری مثل دوربین و تلسکوپ به هیچ وجه معتبر نیست، در رؤیت هلال نیز چنین است، چون از این جهت یعنی به لحاظ در مقام تحدید بودن هیچ فرقی بین آنها نیست.

۵. از بررسی مجموع موارد مذکور، این مناط کلی به دست می‌آید که اگر استفاده از یک حس مانند رؤیت و سمع، جنبه ابزاری داشته باشد، تحولات فن‌آوری و توسعه در آن، به عنوان ابزار و طریق شرعی پذیرفته نیست و استفاده از این ابزار با در مقام تحدید بودن سازگاری ندارد و چون رؤیت هلال نیز راهی برای علم

به رؤیت‌پذیری هلال است و خود رؤیت، موضوعیت ندارد، بنابراین دیدن با چشم مسلح، معتبر نیست و نمی‌تواند دلیل شروع ماه قمری باشد. به عنوان مثال؛ برای توضیح بیشتر و تقریب به ذهن می‌گوییم، برای ثبوت اول ماه، رؤیت هلال و برای تشخیص حد ترخص، رؤیت دیوارهای شهر معیار است و واقعه هم در هر دو مورد، خالی از این چهار فرض نیست:

(الف) فقط رؤیت با چشم غیرمسلح، موضوع حکم و معتبر است (و هو المطلوب و المختار).

(ب) هم رؤیت با چشم غیرمسلح، موضوع حکم و معتبر است و هم رؤیت با چشم مسلح.

(ج) فقط رؤیت با چشم مسلح، موضوع حکم و معتبر است.

(د) تا قبل از اختراع و ساختن دوربین و تلسکوپ، موضوع حکم و معتبر فقط رؤیت با چشم غیرمسلح بود و پس از آن، تنها رؤیت با چشم مسلح است.

روشن است که فرض مقبول، فقط صورت اول است و فرض‌های بعدی ممنوع است، زیرا لازمه‌ی فرض دوم آن است که حد ترخص هم مثلاً یک فرسخ باشد (رؤیت با چشم عادی) و هم سه فرسخ مثلاً (در رؤیت با چشم مسلح) (فرض، جایی است که مثلاً دیوارهای شهر تا فاصله سه فرسخ با ابزار رؤیت شود نه چهار فرسخ بیشتر) و نیز در بسیاری از ماه‌ها هم مثلاً روز شنبه اول ماه باشد (چون روز جمعه، فقط با تلسکوپ قابل رؤیت است) و هم روز یک شنبه، چون (کما هو المفروض) فقط روز شنبه با چشم غیرمسلح قابل رؤیت است. به عبارت دیگر، لازمه‌اش آن است که در طول بیش از هزار سال که از ابزار برای رؤیت استفاده نمی‌شد، در تمام موارد مشابه مثلاً روز یک‌شنبه و پس از استفاده از ابزار در عین همان فرض، روز شنبه اول ماه باشد. بدیهی است

که لازمه این فرض، لغویت تحدید مذکور لغو و مستلزم تنافی باشد؛ زیرا مستلزم آن است که حد ترخص هم

یک فرسخ باشد و هم سه فرسخ؛ و هم اول ماه، وقتی است که مثلاً ۱۸ ساعت از خروج قمر از محاق گذشته

باشد (در رؤیت با چشم غیرمسلح) و هم وقتی است که ۱۲ ساعت (در رؤیت با چشم مسلح).

فرض سوم هم که بدیهی‌البطالان است؛ زیرا لازمه‌اش آن است که شارع مقدس، چیزی را ملاک و معیار قرار داده که تا بیش از هزار سال از دسترس مکلفین خارج بوده است و با جعل چنین معیاری، مردم در بسیاری از ماه‌ها برخلاف واقعه عمل کرده‌اند آنچه بر اثر فعل شارع!

فرض چهارم همان تالی فاسد فرض دوم را دارد و احدی به آن ملتزم نمی‌شود.

بنابراین، با توجه به این‌که شارع مقدس معیاری را برای حلول ماه برای مردم قرار داده که از همان آغاز در دسترس مردم بوده است، بر خلاف محاسبات حرکات خورشید که فقط اهل فن از آن مطلع بوده‌اند و این

نکته از آیه شریفه «یسئلونک عن الأهله» معلوم و مشخص است، در نتیجه باید لازم باشد که همان رؤیتی که

در زمان شارع مقدس برای مردم قابل دستیابی بوده، معتبر و موضوع حکم باشد، آن هم نه به دلیل انصراف

رؤیت به رؤیت متعارف آن زمان، و نه تبادل آن نوع رؤیت به ذهن که برخی از فقیهان به آن تمسک کرده‌اند

(رؤیت هلال، ج ۲: ۱۱۸۹ و ۱۲۶۸). زیرا در روایات دسته اول هم طبق این مبنا باید به آن قائل شد، با این‌که

اساساً قابل التزام نیست، بلکه به دلیلی که گذشت یعنی در مقام تحدید بودن روایات رؤیت هلال و

موضوعیت نداشتن آن، بر خلاف روایات دسته اول و می‌توان مؤیدات و شواهدی نیز بر آن افزود؛ که هر چند

دلیل مستقلی محسوب نمی‌شوند.

۱. لازمه معتبر بودن رؤیت با چشم مسلح آن است که شارع مقدس بیش از هزار سال مردم را به اشتباه افکنده باشد که البته پذیرفتنی نیست. یعنی در بسیاری از ماه‌های سال، شارع حدی را ملاک شروع ماه قرار داده (قابلیت رؤیت ماه با چشم مسلح، مثلاً ۱۲ ساعت پس از خروج از محاق) که این حد تا بیش از هزار سال پیش از این، قابل دسترسی نبوده است و مردم یک روز پس از آن را (قابلیت رؤیت ماه با چشم غیرمسلح، و مثلاً ۱۸ ساعت پس از خروج از محاق (به معنی احاطه شده، سه شب آخر ماه قمری)) اول ماه می‌دانسته‌اند و عید فطر، شب قدر، عرفه و عید قربان را بر خلاف واقع یک روز دیرتر می‌دانسته‌اند، آن هم نه بر اثر تقصیر مکلفین، بلکه بر اثر فعل و جعل شارع. اما اگر رویت با تلسکوپ‌های گول‌پیکر ۸۵۰ تنی معیار باشد، هنوز هم در اختیار مسلمانان نیست! به عبارت دیگر، تکلیف شارع بر مخاطبان و مکلفان باید قابل عمل باشد. بنابراین اگر رؤیت با چشم مسلح معیار باشد، بدین معناست که شارع مقدس دستوری داده که در بسیاری از ماه‌ها تا قرن‌ها برای مکلفین قابل عمل نبوده است؛ زیرا اگر ملاک رؤیت با چشم مسلح باشد، مثلاً روز شنبه عید فطر بوده است؛ در حالی که مسلمانان طبق رؤیت بدون ابزار، روز یکشنبه را عید گرفته‌-

اند، و تکلیف واقعی شارع مبنی بر شنبه بودن عید فطر برای آنان قابل عمل نبوده است و معقول نیست شارع دستوری بدهد که برای مکلفان، مثلاً تا ده قرن عملی نباشد.

۲. شارع، رؤیت هلال را موضوع حکم قرار داده است و اطلاق هلال بر هلال واقعی غیر قابل رؤیت با چشم غیر مسلح یعنی غیر قابل رؤیت در عصر شارع استعمال لفظ در غیر معنای آن است. زیرا هلال، مشتق از «هل» به معنی «بدا و ظهر» یا «صرخ» می‌باشد و چون مردم هنگام رؤیت آن، صدای خود را به فریاد و تکبیر و تهلیل، بلند می‌کردند به آن هلال گفته‌اند و از همین باب است «استهل الصبحا» یعنی هنگام ولادت کودک گریه و سرو صدا کرد (لسان‌العرب، ج ۱۱: ۷۱).

۳. قول به اعتبار رؤیت هلال با چشم مسلح با مشکل بزرگ‌تری مواجه است و آن این‌که قدرت دوربین‌ها و تلسکوپ‌ها یکسان نیست. مثلاً یک نفر در جنوب شرقی شهرستان بافت، موفق شد هلال جمادی‌الآخره ۱۴۲۲ را با دوربین دوچشمی ۴۰ × ۱۵۰ صا ایران شکار کند و ولی همان شخص در همان وقت و همان نقطه با دوربین ۲۰ × ۱۲۰ صا ایران نتوانست هلال را ببیند، یعنی دو برابر شدن عدسی چشمی یا بزرگ‌نمایی دوربین سبب رؤیت شد و در همان شرایط، با دوربین ۲۰ × ۱۲۰ رؤیت ممکن نشد (تحقیقات اسلامی، سال ۱۵، شماره ۲ و سال ۱۶، شماره ۱، ص ۱۱۱، روشها، رتبه‌ها و تجارب رصدی و علمی، نیز رک: همان ص ۹۱ - ۹۳ (بررسی علمی رؤیت هلال))

به عقیده کارشناسان، چه بسا، هلال با تلسکوپ‌های معمولی موجود در ایران قابل رؤیت نباشد، اما در همان حال، با تلسکوپ هیل قابل رؤیت است و ممکن است در آینده تلسکوپ قوی‌تری نیز ساخته شود. در این صورت، گاهی اوقات و در برخی از آفاق اگر رؤیت با هیل را معتبر بدانیم، ماه یک روز زودتر ثابت می‌شود و اگر فقط رؤیت با تلسکوپ‌های معمولی معتبر باشند، خود همین ضابطه‌مند نبودن و به هم ریختگی معیار که قطعاً مخالف در مقام تحدید بودن شارع است، یکی از شواهد ضعف این قول است.

اختلاف در مسأله رؤیت هلال با چشم مسلح، اختصاص به مسلک مشهور فقها یعنی لزوم اشتراک و اتحاد آفاق ندارد.

آیات رؤیت هلال

ارباب حقیقت و اصحاب بصیرت دانسته‌اند که نجات جز در لقای باری تعالی نیست و رسیدن به لقای باری تعالی میسر نشود مگر بدان‌چه انتقال از دنیا به آخرت بر محبت باری تعالی، و به معرفت او باشد، و محبت و انس حاصل نیاید مگر از پیوسته یاد کردن محبوب و مواظبت نمودن بر آن، و معرفت مهیا نشود مگر به دوام فکرت در (آن) و صفات و افعال او.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر، ۹)

«ای پیامبر (به مردم) بگو: آیا دانایان و نادانان با هم مساوی هستند؟ همانا عاقلان متوجه این نکته خواهند بود.»

و نیز فرمود: «فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ» (روم، ۱۷)

«منزه است خداوند به هنگامی که شام می‌کنید و صبح می‌کنید.»

و نیز فرمود: «وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ» (انعام، ۵۶)

«آن کسانی که خدا را بامدادان و شامگاهان می‌خوانند و جز ذات پاک او و خشنودیش هدف دیگری ندارند.»

کل این آیات بیان می‌کند که راه رسیدن به خدای مراقبه و قتهاست و عمارت آن به وردهای پیوسته و برای

آن پیامبر گفته است: «أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الَّذِينَ يُرَاعُونَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالْأَظْلَةَ لِذِكْرِ اللَّهِ.» (مصنف ابن ابی

شیبه: ج ۷، ص ۱۱۳)

دوست داشتنی‌ترین بندگان نزد خداوند، کسانی هستند که خورشید و ماه و سایه را برای ذکر خدای رعایت کنند و باری تعالی گفته است: «الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ» (رحمن، ۵): خورشید و ماه بر حسابی [روان]‌اند.

از جمله نعمت‌هایی که خداوند برای انسان در آسمان و زمین آفریده است، ذکر شمس و قمر از علویات به طور ویژه در اینجا، شاید از آن جهت است که نظام کل جهان وابسته به گردش این دو سیاره و اشعه‌ی آنهاست و لفظ «حسبان» به ضم «حا» در نزد بعضی مصدر و به معنای حساب است مانند «غفران، سبحان و قرآن» و بعضی دیگر فرموده‌اند که «حسبان» جمع حساب است، و مراد از آیه، آن است که حرکات شمس و قمر که تمام کار و بار زندگی انسان به آنها وابسته است، و اختلاف شب و روز و تبدل موسم و تعیین سال و

ماه و حرکات آنها و نظام مستحکم ادوار، همه با یک حساب خاص و اندازه‌ای در گردش هستند که با گذشت میلیاردها سال، به اندازه‌ی یک دقیقه و یا ثانیه در آن فرقی پدید نمی‌آید.

عصر حاضر را عصر معراج علم جدید می‌گویند، و اختراعات حیرت‌انگیز جدید آن، همه‌ی عاقلان را در حیرت انداخته است، ولی تفاوتی واضح و روشن بین مصنوعات انسانی و مخلوقات ربانی وجود دارد که هر بیننده‌ای ملاحظه می‌نماید، و تخریب و تعمیر مسلسل در مصنوعات انسانی امری ضروری است.

و قرآن کریم گفته است: «أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا ثُمَّ قَبَضْنَا إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا» (فرقان، ۴۵ و ۴۶)

«آیا تو بر قدرت پروردگارت نظر نکردی که او چگونه سایه (چیزهای ایستاده) را به هنگام طلوع آفتاب از افق تا دور پهن کرده است؛ (زیرا به هنگام طلوع سایه هر چیز تا دور می‌باشد) و اگر او می‌خواست آن را بر یک حال نگه می‌داشت (با بلند شدن آفتاب کاسته نمی‌شد به گونه‌ای که نمی‌گذشت شعاع آفتاب این قدر تا دور برسد؛ زیرا رسیدن شعاع خورشید به مناطق زمین، وابسته به مشیت خداوندی است، نه با اضطرار، ولی ما آن را با حکمت خود یکنواخت نگه می‌داشتیم، بلکه تا آن را پراکنده ساختیم) باز ما آفتاب را (نزدیک شدن آن به افق را و سپس بلند شدن آن از افق را) بر این (بلندی و کوتاهی سایه) علامت (ظاهری) مقرر کردیم (منظور این که اگر چه علت اصلی روشنی و سایه و اضافه شدن و کاستن آن، اراده و مشیت حق تعالی است، خورشید یا چیز دیگر مؤثر حقیقی نیست، ولی خداوند برای پدیده‌ها در دنیا بعضی اسباب ظاهری درست کرده است، و رابطه‌ی مسببات را با اسباب چنان برقرار کرده که با تغییر سبب در مسبب تغییر پدید می‌آید.)»

و نیز خداوند می‌فرماید: «وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ» (یس، ۳۹): «برای ماه، منزل‌هایی معین کرده‌ایم.» منازل جمع منزل است، به جای نزول، منزل می‌گویند. خداوندی برای جریان خورشید و ماه حدود خاصی مقرر نموده است که به هر یکی از آنها منزل گفته می‌شود، چون ماه گردش خود را ظرف یک ماه به اتمام می‌رساند، منازل او ۳۰ تا ۲۹ روز می‌شود، اما چون هلال در هر ماه حداقل یک روز غایب می‌شود، بنابراین عموماً گفته می‌شود که منازل آن ۲۸ تا است.

اهل هیأت و ریاضی به آن منازل به مناسبت ستاره‌های محاذی بر آنها نام‌های ویژه گذاشته بودند. در جاهلیت عرب هم، این منازل به این نام‌ها مشخص می‌شدند. قرآن کریم بالاتر از این نام‌های اصطلاحی است و مراد آن، فقط آن فاصله‌هایی است که قمر در روز به حد خاصی آنها را طی می‌کند. در آیه: «جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ» (یونس، ۵) «خورشید را روشنایی بخشید و ماه را تابان کرد و برای آن منزل-هایی معین کرد.» فرق فقط این است که منازل قمر با مشاهده شناخته می‌شوند و منازل خورشید به وسیله عمل ریاضی (عثمانی، ۱۳۹۲، ج ۱۱: ۴۱۰ - ۴۱۱).

و نیز خدای متعال گفته است: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا» (انعام، ۹۷) «او کسی است که ستارگان را برای شما قرار داد تا هدایت شوید.»

علاوه بر آفتاب و ماه، ستارگان دیگر هم مظاهر خاص قدرت کامله خداوند هستند. تجربه گواه است که امروز هم انسان در این قرن ماشینی از راهنمایی ستارگان بی نیاز نیست. این ستارگان هم تحت فرمان یک خالق و محرک می‌چرخند، نه در خود مستقل اند و نه در بقا و علم خویش کسانی که تنها نگاه خود را بر این دوخته و نشسته و نظر به طرف خالق آنها نینداختند، خیلی کوتاه‌نظر و فریب خورده‌اند (همان، ج ۵: ۱۴۵). بنابراین گمان مبرید که مقصود از سیر خورشید و ماه به حساب مرتب منظوم و از آفریدن سایه و نور ستارگان آن است که بر کارهای دنیا بدان استعانت نموده شود، بلکه مقصود آن است که مقادیر وقت‌ها شناخته شود و در این وقت‌ها به انواع طاعت و بازرگانی آخرت مشغول شده‌اید و دلیل بر این امر، قول باری تعالی است که:

«وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا» (فرقان، ۶۲)

«و اوست کسی که برای هر کس که بخواهد عبرت گیرد یا بخواهد سپاسگزاری نماید شب و روز را جانشین یکدیگر گردانید.»

خداوند در سوره بقره، آیه ۱۸۴ نیز می‌فرماید: «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ»

«هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد.»

در همین یک جمله، به بسیاری از مسائل و احکام روزه اشاره شده است. لفظ شَهْدَ از شهود گرفته شده است و معنی آن حضور یافتن و شاهد بودن است. الشهر در زبان عربی به معنی ماه است و مراد از آن در این آیه، ماه رمضان است. بنابراین معنی این جمله چنین است؛ هر کسی از شما که در ماه مبارک رمضان زنده و حاضر باشد، بر او لازم است که تمام ماه مبارک را روزه بگیرد. منظور از حاضر و موجود بودن در ماه مبارک این است که ماه را در حالتی دریابد که در آن هنگام، صلاحیت روزه گرفتن را داشته باشد؛ یعنی مسلمان، عاقل، بالغ، مقیم و از حیض و نفاس پاک باشد.

مسأله اول: از این آیه معلوم می‌شود که برای واجب شدن روزه رمضان، یافتن آن به حالت صلاحیت کامل شرط است.

مسأله دوم: یافتن ماه رمضان از نظر شرع به سه صورت ثابت می‌شود:

۱. خود شخص هلال ماه رمضان را ببیند.

۲. به وسیله شهادت معتبر شرعی رؤیت هلال ثابت شود.

۳. هر گاه رؤیت هلال به یکی از دو صورت قبل ثابت نشد؛ بعد از تکمیل سی روز ماه شعبان، رمضان شروع می‌شود.

مسأله سوم: اگر به هنگام غروب آفتاب در روز بیست و نهم شعبان، به سبب ابر و گرد و خاک و موانع جوی دیگر، هلال دیده نشد و هیچ شهادت شرعی برای رؤیت آن وجود نداشت، پس روز بعدی یوم‌الاشک

گفته می‌شود؛ زیرا نسبت به آن این احتمال موجود است که فی‌الواقع هلال قرار گرفته، ولی به سبب صاف

نبودن مطلع رؤیت نگردیده است. چون در این روز به سبب موانع جوی شهود شهر یعنی یافتن ماه رمضان به

رؤیت هلال صادق نمی‌آید، روزه گرفتن در آن روز نه تنها واجب نیست، بلکه مکروه است و از آن منع شده

تا که میان فرض و نفل اختلاط و آمیزش پیش نیاید (عثمانی، ج ۲: ۱۳۰-۱۳۲).

احادیث رؤیت هلال

رسول اکرم (ص) فرموده است: «روزه بگیرید با دیدن ماه و روزه بخورید با دیدن ماه، پس اگر پوشیده شد

بر شما ماه، شمار شعبان را سی روز تمام تکمیل کنید.» (روایت بخاری)

همچنین در روایتی دیگر، پیامبر خدا(ص) فرمود: ماه را تقدیم نکنید یا مادامی که هلال ماه را رؤیت نکردید یا ماه را تکمیل نکردید، روزه بگیرید تا هلال را رؤیت کردید یا ماه کامل کنید.

ابوداود و الترمذی از ابن عباس(رض) روایت می‌کنند که پیامبر(ص) فرمودند: «روزه را قبل از رمضان نگیرید. روزه را با رؤیت هلال بگیرید و رمضان را با رؤیت هلال افطار کنید.» (سنن ترمذی، ج ۳، ص ۶۳)

روایت دیگری را ابن عباس آورده است که پیامبر(ص): «فرموده قبل از رمضان روزه نگیرید (برای استقبال از رمضان). هلال ماه رمضان را رؤیت کرده و سپس روزه بگیرید. هلال ماه شوال را رؤیت کرده، سپس افطار کنید. اگر غیر این بود و در هوای عله‌ای بود (ابر یا غبار و امثالهم) پس سی روز را کامل کنید.» (سنن ابن ماجه)

کنفرانس جهانی رابطه‌ی عالم اسلامی در زمینه‌ی رویت هلال و نتایج آن

نگارنده: عثمانی محمدتقی، مترجم: مولوی غلام محمد شرافتمند - مدرس حوزه علمیه احتاف خواف)

مسأله‌ی رؤیت هلال در کشورهای اسلامی و به ویژه در کشورهایی که در سطح ملی(دولتی) برنامه‌ی منظمی در این زمینه ندارند، هنگام رمضان و عید باعث ایجاد اختلاف و تفرقه در بین آنان می‌گردد. یکی از دلایل و علل این است که نسبت به تاریخ‌هایی که در راستای رؤیت هلال از سوی عربستان سعودی اعلام می‌شود، اظهار شک و تردید کرده و بدبین می‌باشند. به همین منظور، مجمع فقه اسلامی یا «رابطة العالم الاسلامی» برای بررسی و تحقیق در این موضوع، یک سمینار و کنفرانس جهانی از نوزدهم تا بیست و یکم ربیع‌الاول سال ۱۴۳۳ق مطابق با یازدهم تا سیزدهم فوریه سال ۲۰۱۲ میلادی در مکه‌ی مکرمه منعقد کرد. در این همایش، دو پرسش زیر مطرح شد:

- محاسبات فلکی تا چه حد در مورد ثبوت ماه اعتبار دارند.

- اختلاف مطالع، چه حکمی دارد؟ یعنی دیده شدن ماه در یک محل تا چه حد و حدودی می‌تواند برای

مناطق دیگر نیز اعتبار داشته باشد.

در این کنفرانس، سعی اعضا بر این بود تا بیشتر در مورد این دو مسأله به بحث و بررسی بپردازند و علما و اندیشمندان کشورهای مختلف نیز دیدگاه‌های خود را مطرح نمودند. درباره‌ی مسأله‌ی اول در این نشست، سه نظریه و دیدگاه مطرح گردید:

۱. در مورد رویت هلال شرعی، محاسبات نجومی هیچ اعتباری ندارد و صرفاً منحصر به شهادت و گواهی افرادی است که آن را با چشم دیده باشند، بنابراین با محاسبات فلکی، نه حکم به وجود ماه می‌توان داد و نه می‌توان آن را نفی کرد. به همین جهت، اگر براساس محاسبات فلکی، رویت هلال امکان‌پذیر نبود، ولی با این وجود، افرادی آمدند و شهادت دادند که ماه را دیده‌اند؛ باید طبق گواهی، آنان حکم به رویت هلال نمود.

۲. چون با محاسبات فلکی و نجومی به طور دقیق می‌توان از وضعیت ماه اطلاع یافت و در این زمینه، جای ذره‌ای شک و تردید وجود ندارد، بنابراین تنها باید براساس محاسبات فلکی، وجود ماه به اثبات برسد و اگر چنانچه طبق محاسبات کارشناسان، رویت هلال امکان نداشت، باید رویت ماه منتفی اعلان شود؛ اگر چه افرادی شهادت به رویت هلال داده باشند. این نظر را چند تن از علمای حاضر در کنفرانس ارائه دادند و خیلی طرفدار نداشت.

۳. اگر چه ثبوت رویت هلال تنها براساس محاسبات نجومی نیست، اما اگر دیده شدن ماه طبق محاسبات قطعاً امکان نداشت؛ مثلاً ماه، پیش از خورشید غروب کرده بود و شخصی شهادت داد که من ماه را دیده‌ام، این شهادت و گواهی را نباید معتبر دانست. از آنجا که این نظریه با دیدگاه مفتی اعظم عربستان سعودی در تضاد بود و عمل آنها تاکنون برخلاف این نظریه بوده است، بنابراین با تفصیل به بحث و تبادل نظر در این موضوع پرداخته شد.

طرفداران و حامیان نظریه سوم می‌گفتند که منظور ما این نیست که برای ثبوت هلال به جای رویت، باید محاسبات فلکی را معیار قرار داد؛ بلکه منظور تحقیق و کنکاش دقیق شهادت‌ها می‌باشد. شهادت و گواهی در مورد دیدن ماه، زمانی اعتبار دارد که از هر لحاظ بتوان بر آن شهادت اعتماد کرد. بنابراین اگر فردی شهادت داد که ماه را در سمتی دیده است (در حالی که ماه در نقطه مقابل آن، باید قابل رویت باشد)، این شهادت را نباید معتبر دانست. به همین منوال، اگر براساس محاسبات فلکی به اثبات رسید که ماه، پیش از

خورشید غروب کرده است، در این صورت چنین شهادتی (که من ماه را دیده‌ام) نیز به خاطر اتهام کذب نباید پذیرفته شود. به طور عمومی، برخی چنین می‌پندارند که علامه سبکی در این راستا تنها بود و برخلاف دیدگاه جمهور، محاسبات را به جای رؤیت معیار و ملاک قرار داده است. اما خود او این امر را رد کرده است. پس از بحث و مباحثه‌ی طولانی اعضای کنفرانس، به اتفاق این دیدگاه را پذیرفتند.

درباره‌ی اختلاف مطالع نیز در این کنفرانس سه نظریه‌ی متفاوت مطرح گردید:

۱. این دیدگاه، همانند نظریه‌ی شافعی مسلکان بود که مبتنی بر فتوای عبدالله بن عباس (رض) می‌باشد که وی در این فتوا، رؤیت اهل شام را برای مدینه‌ی منوره معتبر نمی‌دانست. طبق این نظر، رؤیت هر شهری باید برای همان شهر اعتبار داشته باشد و دیده شدن ماه در یک شهر برای شهر دیگر اعتباری ندارد. این نظریه را رئیس «دیوان عالی قضایی» و امام حرم «صالح بن عبدالله بن حمید» ارائه داد. البته وی افزود که چون این یک مسئله‌ی اجتهادی است، بنابراین اگر حاکمی براساس سیاست شرعی در همه‌ی شهرهای یک کشور حکم رؤیت را نافذ و جاری سازد، حکمش اعتبار دارد.

۲. پیشنهاد دوم این بود که اختلاف مطالع، اصلاً نباید اعتبار داشته باشد؛ بلکه اگر در گوشه‌ای از دنیا ماه دیده شد، باید برای تمام دنیا معتبر باشد. مالکی‌ها و حنبلی‌ها، این عقیده را دارند و اصل مذهب احناف نیز همین است. حامیان این نظر تا این حد پیش رفتند که مکه‌ی مکرمه باید مرکز عالم اسلام قرار گرفته و رؤیت آن‌جا برای تمام دنیا معتبر دانسته شود. اما بنده این اشکال را مطرح کردم که در این صورت، کشورهای که در سمت شرق مکه‌ی مکرمه قرار دارند، باید تا زمانی که از مکه‌ی مکرمه رؤیت یا عدم رؤیت اعلان شود، منتظر و بلا تکلیف بمانند، بنابراین نتیجه این می‌شود که مردم استرالیا و نیوزلند (زلاندنو) شب را پشت سر می‌گذارند، اما تا پایان شب نمی‌توانند در مورد ماه رمضان یا عید تصمیمی بگیرند. طرفداران این نظریه نتوانستند به این اشکال پاسخی بدهند. واقعیت این است که عمل کردن بر نظریه‌ی مذکور زمانی امکان‌پذیر است که ثبوت ماه را با محاسبات فلکی بپذیریم.

۳. سومین دیدگاه نیز این بود که اگر در نقطه‌ای از مشرق، ماه دیده شد و در کشوری از کشورهای مغرب زمین نیز رؤیت آن به اثبات رسید، غرب باید بر آن عمل کنند. این نظریه را بسیاری از اعضا پذیرفتند.

البیان الختامي للمؤتمر العالمي لإثبات الشهور القمرية بين علماء الشريعة و الحساب الفلكي

ترجمه‌ی مصوبات: کاملاً پیداست که این کائنات، پیرو یک‌سری قوانین و دستوراتی است که آنها را ذاتی بسیار عالی، قادر و توانا مقرر فرموده که تخلیق، نظم و مهارت وی به انتها و کمال خود رسیده است. یکی از نمونه‌های تخلیق آن ذات قادر و توانا، آفرینش خورشید و ماه است که به وسیله‌ی آنها زمان، سال و ماه دانسته می‌شوند.

ارشاد خداوند متعال است: وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ * وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ * لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (یس، ۳۸-۴۰)

ترجمه: و (نشانه دیگری بر قدرت خدا این است که) خورشید به سوی قرارگاه خود در حرکت است. این، محاسبه و اندازه‌گیری و تعیین خدای بس چیره و توانا و آگاه و دانا است. برای ماه نیز منزل‌گاه‌هایی تعیین کرده‌ایم که (پس از طی کردن آنها) به صورت ته مانده کهنه (خوشه خرما بر درخت) درمی‌آید (قوسی شکل و زرد رنگ). نه خورشید را سزد (در مدار خود سریعتر شود و) به (مدار) ماه رسد، و نه شب را سزد که بر روز پیشی گیرد (و مانع پیدایش آن شود). هر یک در مداری شناورند (و مسیر خود را بدون کمترین تغییر ادامه می‌دهند).

همچنین خداوند متعال می‌فرماید: «الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ» (الرحمن، ۵)

ترجمه: خورشید و ماه برابر حساب (منظمی در چرخش و گردش) هستند.

در جایی دیگر هم می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ

وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (یونس، ۵)

ترجمه: خدا است که خورشید را درخشان و ماه را تابان گردانده است و برای ماه، منازلی معین کرده است تا شمار سال‌ها و حساب (کارها) را بدانید. خداوند (آن همه عجائب و غرائب آفرینش و چرخش و گردش مهر و ماه را سرسری و از بهر بازیگری پدید نیاورده است و بلکه) آن را جز به حکمت نیافریده است. خداوند آیات (قرآن و نشانه‌های جهان) را برای آنان که می‌فهمند و درک می‌کنند، شرح و بسط می‌دهد.

همچنین خداوند متعال، ماه را علامتی برای شناخت ابتدای هر ماه قرار داده تا مردم بدین‌سان بتوانند اوقات را شناخته و برای آنها برنامه‌ریزی کنند.

ارشاد رب العالمین است که: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَيَّامِ الَّتِي قُلُوبُهُمْ مُوَاقِفَتُهُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ» (بقره، ۱۸۹)

ترجمه: درباره هلال‌های ماه از تو می‌پرسند (که چرا هر دم به شکلی پدیدار می‌شود؟) بگو: آنها شناسه‌های زمانی (و تقویم طبیعی) برای (نظام زندگی) مردم و (تعیین وقت) حج هستند.

پیامبر مکرم اسلام (ص) نیز در احادیث متعددی، راه شناخت آغاز و پایان ماه مبارک رمضان را دیدن با چشم بیان فرموده‌اند، چنان‌که آن حضرت (ص) می‌فرماید: «با دیده شدن ماه، روزه بگیرد و با دیدن آن، عید کنید.» (رواه البخاری)

امت مسلمان از عهد نبوت تاکنون بر همین مسیر قدم برداشته است، البته در مورد شروع و پایان ماه مبارک رمضان و نیز آغاز ماه ذی‌الحجه مشکلات و اختلافاتی پدید آمده است. همچنین در عصر حاضر، فاصله‌های میان مناطق دوردست تا حد زیادی از میان برچیده شده و وسایل ارتباط جمعی نوین نیز به اوج خود رسیده است؛ تا جایی که امروزه دنیا تبدیل به دهکده‌ی جهانی شده و در هر نقطه‌ای از دنیا می‌توان از حالات کشورهای دیگر از طریق رسانه‌های سمعی و بصری اطلاع پیدا کرد. در این زمان، انواع بخارها، گازها و دودهای (معلق در هوا) مقدار آلودگی هوا را در افق‌های مختلف دنیا چندین برابر کرده است. افزون بر آن، آلودگی اشعه‌ها، کثرت هواپیماها و ماهواره‌های در حال گردش در فضا که باعث انعکاس نور می‌شوند بر رؤیت بصری تأثیر منفی می‌گذارند.



در خصوص این سؤال که: در مذهب حنفی، رؤیت ماه (رمضان و شوال) چگونه ثابت می‌شود؟ آیا دیدن هلال در منطقه لازم است یا مشاهده‌ی آن در سایر مناطق اسلامی برای ما کفایت می‌کند؟ طبق مصوبه چهارم دارالافتاء عرفان‌آباد مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۱ آمده است که براساس روایات اصول و ظاهر مذهب احناف، اختلاف مطالع ماه و تفاوت آن در اقطار مختلف جهان، به هیچ‌وجه معتبر نبوده و اگر ماه در یک نقطه از جهان رؤیت شود، برای سایر اقطار عالم رؤیت محسوب شده و می‌بایست با آن رؤیت، روزه یا فطر اعلان

گردد؛ البته هرگاه رؤیت ماه در آن نقطه، به طریق موجب یا مستفیض به سایر نقاط برسد (البحر الرائق شرح کنز الدقائق، ج ۲: ۴۲۴).

بنا به تصریح فقهای احناف، عدم اعتبار اختلاف مطالع منحصر در بلدان و اماکن قریبه و نزدیک نبوده و متون و نصوص شرعی را به هیچ وجه نمی توان به اقطار نزدیک تأویل نمود؛ چنان که برخی از علمای معاصر، بدون هیچ گونه دلیل و سند شرعی دست به تقیید این نصوص زده اند. (الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱: ۵۰۰).

رؤیت ماه، هیچ گاه مقید به رؤیت با چشم غیر مسلح نبوده و هر گاه با چشم مسلح و با کمک دوربین های پیشرفته و تلسکوپ رؤیت شود، آن نیز رؤیت محسوب شده و حکم هلال رمضان یا فطر واجب می گردد. گرچه برخی از فقهاء رؤیت با چشم مسلح را به رؤیت از پشت شیشه و یا رؤیت انعکاس ماه در آب قیاس کرده اند، اما سخن این عده از علما فاقد ارزش علمی بوده و هیچ گاه مورد قبول فقهاء احناف نمی باشد. (ارشاد اهل الملة الى اثبات الالهة ص ۲۰۴).

برای ثبوت رؤیت هلال ماه، شهادت نزد حاکم شرط نبوده و هیچ گاه حکم حاکم در آن دخیل نمی باشد. برخی از علمای معاصر بنا به ملاحظاتی غیر شرعی، حکم حاکم را معتبر دانسته و فتوای ایشان را ولو بر خلاف مذهب ریال جائز بلکه رافع خلاف دانسته اند. اما این سخن آنان هیچ گونه سند و مدرک شرعی نداشته و برخاسته از امیال و خواهش های نفسانی ایشان می باشد. حکم حاکم در مسائل حقوقی که ارتباط مستقیم با حق الناس دارد، شرط بوده و برای رفع منازعه و جدال بین دو خصم، یک قدرت حاکمه که به وسیله ی آن منازعات و جدال فیصله می باید، لازم و لابدی است لا غیر. (تحقیق المسائل فی رفع تحیر السائل: ۳۷۲).

ثبوت رؤیت ماه، همچنان که با شهادت دو نفر که ماه را رؤیت نموده اند و یا شهادت دو نفر بر شهادت رؤیت دو نفر دیگر به اثبات می رسد، همچنین از طریق اخبار با تلفن، اخبار رادیو و تلویزیون، ماهواره و سایر رسانه های ارتباط جمعی نیز ثابت شده و حکم هلال صوم یا فطر واجب می گردد. (همان: ۳۸۸).

بنا به تصریح فقهای احناف، با یکی از دو طریق «رؤیت ماه» یا «تکمیل کردن ۳۰ روز» ورود ماه رمضان و یا خروج آن ثابت می گردد. بنابراین نزد مجتهدین مذهب، اقوال موقتین، منجمین و اهل حساب هیچگاه معتبر نبوده و به هیچ وجه نباید قول آنان در مورد رؤیت ماه و یا عدم رؤیت آن مأخوذ گردد. برخی از

علمای معاصر در مورد قول منجمین تفاوت قائل شده و تصریحات مجتهدین مذهب را به ثبوت ماه حصر کرده‌اند. در نتیجه، قول آنان مبنی بر عدم اعتبار سخنان منجمین فقط در مورد رؤیت ماه بوده و بر عدم رؤیت آن شامل نمی‌شود. بنابراین هر گاه منجمین رؤیت ماه را محال دانسته و حکم بر عدم رؤیت آن دهند، و از طرفی دیگر عده‌ای بر رؤیت ماه شهادت دهند، قول منجمین را معتبر دانسته و شهادت آن عده را شهادت مشکوک و ظنی قلمداد نموده‌اند. اما سخنان این عده از علمای معاصر، مغایر با تمامی نصوص شرعی و متون معتبر مجتهدین مذهب می‌باشد. ایشان در تمامی منابع معتبر مذهب تصریح نموده‌اند که هیچگاه اقوال اهل حساب و منجمین که از روی حرکت خورشید و ماه و کره‌ی زمین، طلوع یا تولد ماه را اعتبار و تعیین می‌نمایند، معتبر نبوده و نباید اقوال آنان در احکام شرعی دخالت داده شود. (تبییه الغافل و الوسنان علی احکام هلال رمضان، ج ۱ ص ۲۴۴).

نتیجه کلی

باید توجه داشت که از نظر علوم نجوم و کیهان‌شناسی، ملاک آغاز و پایان ماه‌های قمری همان زمان مقارنه و تولد است و اگر تشخیص این امر به ستاره‌شناسان سپرده شود، شروع و خاتمه هر ماه قمری را نه برای یک سال و دو سال، که تا صد یا هزار سال پیش‌بینی می‌کنند. باید به فکر چاره‌ای برای مسلمانانی باشیم که در آینده‌ای نه چندان دور، در نقاط نزدیک به قطب شمال یا جنوب کره‌ی زمین یا در ایستگاه فضایی و حتی کرات دیگر زندگی خواهند کرد و شبانه‌روزشان کاملاً با ما متفاوت خواهد بود و شاید اصلاً شب و روزی نداشته باشند.

اتحاد آفاق، یکی دیگر از مباحث مورد اختلاف است. بخشی از اختلاف‌های پیش آمده در بین کشورهای اسلامی، مباحث سیاسی است. اختلاف دیگری در بین علما درباره‌ی (اعتبار اختلاف مطالع) از دیرباز وجود داشته است. عموم علمای حنفی، مالکی و حنبلی این موضوع را معتبر نمی‌دانند؛ یعنی اگر در سرزمینی هلال رویت شد، مناطق دیگر موظف به پیروی هستند. نظر اکثر علمای شافعی نیز بر معتبر دانستن اختلاف مطالع است. البته در بین هر کدام از مذاهب، نظرات مختلفی نیز وجود دارد؛ برخی از علما، دوری و نزدیکی مناطق را شرط دانسته‌اند، اما مشهور فقها می‌گویند که حکم حاکم شرع، در رویت هلال معتبر است و فقهای هم،

حکم حاکم را برطرف کننده اختلافات می‌دانند. امیدواریم که روزی در مورد استهلال، اتحاد و همبستگی جهان اسلام را مشاهده کنیم و این هم روزی تحقق پیدا می‌کند که به فقه همدیگر آگاه باشیم و از علم روز هم غافل نباشیم و علم روز را در چارچوب شریعت اسلام برای ترقی اسلام به کار گیریم.

منابع

قرآن کریم.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت دارالفکر، بی تا.

رؤیت هلال، تهیه و تحقیق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مرکز احیای آثار اسلامی، قم: بوستان کتاب، بی تا.

رؤیت هلال؛ مشکلات و راه حل‌ها، فصلنامه تحقیقات اسلامی، سال ۱۶، شماره ۱.

الزحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق: دارالفکر، بی تا.

الزحیلی، وهبه، کتاب مذاهب الربعه، بیروت: دارالکتاب العلمیه، بی تا.

شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، احیاء تراث.

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت(ع)، جمعی از پژوهشگران موسسه دایرة المعارف فقه اسلامی، قم ۱۴۲۶ق.

عثمانی، محمدشفیع، تفسیر معارف قرآن، بی جا: شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۹۲ش.

ندوی، شفیق الرحمن، کتاب فقه میسر(حنفی)، بی جا: شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۸۴ش.

واسطی، تاج العروس من جواهر القاموس، ترجمه سید محمد مرتضی حسینی دارالفکر.